

# انترناسیونال

## معلم زندانی آزاد باید گردد



### حزب کمونیست کارگری ایران

انترناسیونال شماره ۹۴۰

جمعه ۹ مهر ۱۴۰۰ - ۱ اکتبر ۲۰۲۱

### سوم مهرماه یک روز درخشان از مبارزات معلمان

#### شهلا دانشفر

دور جدید تجمعات سراسری معلمان و تبدیل نخستین روز شروع سال جدید به روز اعتراض سراسری و بدنبال آن تجمع سراسری و گسترده در بیش از ۴۰ شهر در سوم مهرماه، تمام توجه ها را بسوی معلمان این نیروی گسترده و فعال اعتراضات در سطح جامعه جلب کرده است.

اعتراضات معلمان در چنین ابعاد سراسری و گسترده ای یک اتفاق سیاسی مهم بود. این اعتراضات را باید در تداوم بیش از سه ماه اعتصاب کارگران پیمانی نفت و فضای پر تحرک اعتراضی در مراکز نفتی، در کنار آنچه در نیشکر هفت تپه میگذرد و جدال جانانه این کارگران علیه بساط

چپاول و دزدی حاکم و در دفاع از زندگی و معیشتشان و در کنار تحركات اعتراضی وسیع در میان بخش های مختلف بازنشستگان که هر روزه در تجمع و اعتراض هستند و برای روز ۱۱ مهر نیز از سوی بازنشستگان تامین اجتماعی فراخوان به تجمعی سراسری داده شده است، دید.

در این اعتراضات معلمان با خواستههایشان و با فریاد شعارهایشان صدای اعتراض کل جامعه به فقر، تبعیض، نابرابری، اختلاسها و محروم ماندن جمعیت میلیونی دانش

ادامه در صفحه ۲



اسماعیل عبدی



نصرت بهشتی



حجت الله رافعی



ناهید فتحلیان



مهدی فتحی



مصطفی نیلی



محمد رضا موشائزاده



محمد حسن سپهری



حسن حسینخانی



عزیز قاسم زاده



غلامرضا غلامی



یعقوب یزدانی



هاشم خواستار



زینب همرنگ

### در این شماره انترناسیونال:

- شماره صفحه: ۱ و ۲
- سوم مهرماه یک روز درخشان از مبارزات معلمان. شهلا دانشفر
- ۳، ۴ و ۵
- تانگوی سیاسی برجاس. گفتگوی انترناسیونال با حمید تقوائی لیدر حزب
- ۶
- گزارش ملاقات با مسئول کمیسیون حقوق بشر آلمان. سیامک بهاری
- ۷ و ۸
- در شوراهای اسلامی را باید در همه جا گل گرفت. شهلا دانشفر
- ۹
- جنایت با چاشنی یاوه سرایی. سیاوش مدرسی
- ۱۰
- نویسندگان و هنرمندان جهان به کارزار انجمن قلم آمریکا برای آزادی اعضای زندانی کانون نویسندگان ایران پیوستند.
- ۱۱ و ۱۲
- از مدیای اجتماعی حزب
- ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶ و ۱۷
- اطلاعیه های حزب

## سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی

# ”یک خطاب بیانیه های معلمان از جمله شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان در فراخوانهایشان بدرست خانواده های دانش آموزان و همه مردم است. خانواده ها یک پای اصلی این جدال هستند و شرکت وسیع آنها در تمام تجمعات اعتراضی معلمان بسیار مهم و حیاتی است.“



شهلا دانشفر

همین راستا ایجاد تجهیزات رایگان آموزشی برای آموزش مجازی از جمله برخورداری همه دانش آموزان از اینترنت و تلفن هوشمند رایگان پاسخ محکمی به این سیاست جنایتکارانه حکومت دادند.

همچنین در حالیکه رئیسی و دارو دسته های حکومتی مشغول نمایش مسخره سفرهای استانی و وعده های توخالی معیشت و واکس و غیره بودند و ما شاهد بازگشایی نمایشی مدرسه در اینجا و آنجا و نمونه ای از آن در سوم مهرماه مدرسه ای در ایلام بودیم. معلمان با تجمع سراسری سوم مهرماه و اعتصاب سراسری خود عملاً مدارس را تعطیل اعلام کردند و واکسیناسیون رایگان همه معلمان و کودکان بالای ۱۲ سال و رعایت پروتکل های سازمان بهداشت جهانی و اختصاص هر نیمکت به یک کودک و قرار دادن ماسک و مواد ضدعفونی در اختیار همه کودکان را شروط لازم بازگشایی مدارس اعلام کرده و بر فراهم کردن فوری این شرایط تاکید کردند.

بدینگونه معلمان آنچهان قدرتمند به جلو گام برداشتند که حکومتیان در هراس از اوج بیشتر اعتراضات به تناقض گویی بسیاری افتادند و از بازگشایی مدارس در این شرایط عقب نشستند. به عبارت روشنتر اعتراضات معلمان از سطح مطالبه گری فراتر رفت و آنها با تجمعات اعتراضی خود سدی در مقابل سیاست جنایتکارانه حکومت برای بازگشایی مدارس بدون هیچگونه تدارکات پیشگیرانه در قبال بیماری مرگبار کرونا و به بازی گرفتن بیشتر جان

مردم شدند. این چنین بود که معلمان با تجمعات سراسری خود صدای اعتراض همه مردم را فریاد زدند.

بعلاوه دور جدید اعتراضات معلمان و بویژه تجمعات سراسری آنها در سوم مهرماه از جنبه های مختلف دیگر قابل تعمق است. به نکات برجسته آن اشاره میکنیم: اعتراضات معلمان اعتراضاتی رادیکال، مدرن، سازمانیافته با مطالباتی آزادیخواهانه، برابری طلبانه و انسانی است. و این خود را در شعارها، بیانیه ها، سخنرانی ها و رزمندگی این مبارزات به روشنی بیان میکند. دست نوشته های یکدست با تاکید بر خواسته های سراسری و برپایی اعتراضاتی در چنین ابعاد و در سطح سراسری نمود بارزی از سازمانیافتگی این مبارزات است که یک بستر مهم این سازمانیابی و گفتمان سازهای مدیای اجتماعی است.

یک جنبه مهم از مبارزات معلمان اعتراض آنها به تبعیض ها و نابرابری ها و جلو آمدن آنها با خواسته های سراسری ای چون خواست افزایش حقوقها به بالای خط فقر ۱۲ میلیونی و درمان و تحصیل رایگان برای همه، آنها در فضای سیاسی امروز جامعه است. بدست گرفتن چنین مطالباتی از سوی معلمان خود حلقه اتصال مبارزات آنان

با بخش های مختلف جامعه است و این مبارزات باید مورد حمایت و پشتیبانی کل جامعه قرار گیرد. علاوه بر مطالبات معیشتی و تحصیل رایگان، موضوع مهم دیگر در مبارزات معلمان تاکید آنها بر آموزش با کیفیت است. معلمان در مبارزاتشان بارها و بارها اعتراض خود را به سیاست اسلامی کردن آموزش و سطح نازل محتوای آموزشی، از جمله آموزش خرافه و وارد کردن مضامینی با بار تبعیض جنسیتی در کتابهای درسی و بطور مثال حذف عکس دختران از کتب درسی اعلام کرده اند. همچنین جدا از بیانیه های سراسری، در بیانیه های معلمان در بسیاری از شهرها، خواست آموزش به زبان مادری به عنوان یک مطالبه مطرح شده بود و این مطالبه نیز به مطالبات معلمان برای همگان اضافه شده است.

نکته قابل مشاهده دیگر در مبارزات معلمان تلاش دارو دسته های مختلف حکومتی برای تفرقه اندازی در میان آنان و محدود کردن دامنه اعتراضات آنان به پیگیری مطالبات از طریق ”مجاری قانونی“ است. در دور جدید اعتراضات آنها نیز شاهد تلاش فرمانداری و نمایندگان مجلس در بسیاری از شهرها از طریق وعده و وعید دادن و تلاش برای به تعویق انداختن تجمعات اعتراضی آنها بودیم. اما عملاً این تلاشها به شکست کشیده شد و معلمان رادیکال و معترض حرف اول را زدند و

در سوم مهرماه ما شاهد یکی دیگر از روزهای درخشان اعتراضات معلمان بودیم.

یک خطاب بیانیه های معلمان از جمله شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان در فراخوانهایشان بدرست خانواده های دانش آموزان و همه مردم است. خانواده ها یک پای اصلی این جدال هستند و شرکت وسیع آنها در تمام تجمعات اعتراضی معلمان بسیار مهم و حیاتی است.

در اعتراضات سراسری معلمان همچنین ما شاهد جلو آمدن چهره ها و رهبران شجاع و سخنور جدیدی بودیم. در این میان زنان معلم نقش برجسته ای داشتند و حضور آنها در صف جلوی این مبارزات بسیار برجسته و چشمگیر بود. و بالاخره همانطور که اشاره کردم نفس برپایی چنین تجمعات بزرگ و سراسری ای از نوع تجمعات روز سوم مهرماه از سوی معلمان نشانگر درجه بالای سازماندهی در میان آنهاست و شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان با فراخوانهایش و با قطعنامه ها و بیانیه های بموقع خود نقش مهمی در این سازماندهی و هماهنگ کردن این مبارزات داشته است. زنده باد معلمان.

## تانگوی سیاسی برجام

در پس این تانگوی سیاسی از یکسو بحران مزمن و بن بست اقتصادی جمهوری اسلامی و نیاز مبرم او به ادامه برجام نهفته است، و از سوی دیگر سیاست آمریکا و دول اروپائی برای مهار کردن جمهوری اسلامی در منطقه. جمهوری اسلامی برای رفع تحریمها و ورود به بازار جهانی به رسیدن به توافقی با آمریکا و اروپا شدیداً احتیاج دارد و دولت آمریکا، با وقوف به این امر، نه تنها توقف پروژه هسته ای بلکه محدود کردن دخالتگریهای نظامی و نفوذ منطقه ای جمهوری اسلامی را دنبال میکند. از همین روست که بایدن، علیرغم آنکه بارها اعلام کرده است خواستار حل دیپلماتیک مسئله است، تحریمهای دوره ترامپ را لغو نکرده است.



گفتگو با حمید تقوائی

با پیروزی جو بایدن در انتخابات سال گذشته آمریکا، جمهوری اسلامی به امید رفع تحریمها از این پیروزی استقبال کرد. اکنون ۹ ماه از آمدن بایدن می گذرد و هنوز هیچ گونه گشایشی در دیپلماسی دو کشور بویژه بر سر برجام و لغو تحریمها بوجود نیامده است. اهمیت بازگشت آمریکا به برجام یا عدم بازگشت، تأثیرات آن در روابط بین المللی ایران و تأثیر آن در مبارزات سرتنگونی طلبانه مردم، از جمله نکاتی است که با حمید تقوائی لیدر حزب کمونیست کارگری ایران در میان می گذاریم.

در پس این تانگوی سیاسی از یکسو بحران مزمن و بن بست اقتصادی جمهوری اسلامی و نیاز مبرم او به ادامه برجام نهفته است، و از سوی دیگر سیاست آمریکا و دول اروپائی برای مهار کردن جمهوری اسلامی در منطقه. جمهوری اسلامی برای رفع تحریمها و ورود به بازار جهانی به رسیدن به توافقی با آمریکا و اروپا شدیداً احتیاج دارد و دولت آمریکا، با وقوف به این امر، نه تنها توقف پروژه هسته ای بلکه محدود کردن دخالتگریهای نظامی و نفوذ منطقه ای جمهوری اسلامی را دنبال میکند. از همین روست که بایدن، علیرغم آنکه بارها اعلام کرده است خواستار حل دیپلماتیک مسئله است، تحریمهای دوره ترامپ را لغو نکرده است. و مقامات وزارت خارجه آمریکا نیز میگویند شرایط ژئوپلیتیکی منطقه نسبت به سال ۲۰۱۵ که قرارداد برجام امضا شد تغییر کرده است و برجام باید متناسب با شرایط تازه تغییر کند.

در مقابل جمهوری اسلامی نیز به بهانه انتخابات و روی کار آمدن دولت رئیسی، و در واقع بدلیل موقعیت ضعیفش در مذاکراتی که بعد از ریاست جمهوری بایدن در وین آغاز

انترناسیونال: ماه گذشته شورای حکام "آژانس بین المللی انرژی اتمی" با مانور جدید جمهوری اسلامی مبنی بر اجازه تعویض دوربین های آژانس از تصمیم فرستادن پرونده اتمی جمهوری اسلامی به سازمان ملل منصرف شد. هفته پیش اما جمهوری اسلامی اجازه نصب دوربین های آژانس به مجتمع اتمی کرج را نداد و باز بازی دیگری درآورد. شما در یک جلسه حزبی رابطه آژانس و جمهوری اسلامی را به "تانگوی سیاسی" تشبیه کردید. ارزیابی شما از اتفاقات فی مابین در این دوره اخیر چیست؟

حمید تقوائی: اتفاقاتی که اشاره کردید جزئی از مانورهای طرفین برای دستی بالا پیدا کردن در مذاکرات است. دولت بایدن میخواهد شرایط تازه ای را در جهت محدود کردن بیشتر جمهوری اسلامی در منطقه در توافقتنامه بکنجانند و جمهوری اسلامی در پی رفع فوری کلیه

انترناسیونال: چقدر بازگشت آمریکا به برجام را محتمل میدانید با توجه به این که در افکار بین المللی "رئیس" به رئیس جمهور قصاب ملقب شده و وابسته به تندروترین جناح رژیم است. آیا تصمیم بایدن و دموکرات ها برایشان پرهزینه نخواهد شد؟

حمید تقوائی: به نظر من روی کار آمدن رئیسی ادامه مذاکرات را مشکل تر کرده است اما این فاکتوری نیست که آمریکا و اروپای واحد را از رسیدن به توافق با جمهوری اسلامی باز بدارد. این دولتها برای تامین منافعشان حتی با شیطان هم میتوانند به توافق برسند. آنچه میتواند به مانع جدی برای توافق با جمهوری اسلامی تبدیل بشود حرکات اعتراضی و میدانی در خود ایران و در کشورهای

شده بود، این مذاکرات را متوقف کرده و اعلام کرده است که بعد از بررسی های دولت تازه به میز مذاکره بازخواهد گشت. اما به تعویق افتادن مذاکرات به ضرر جمهوری اسلامی عمل میکند و همانطور که اشاره کردم رژیم ناگزیر است برای نجات اقتصاد در حال فروپاشی خود هر چه زودتر با غرب به نوعی توافق برسد. جمهوری اسلامی لغو تحریمها را بعنوان پیش شرط از سر گرفتن مذاکرات اعلام کرده است اما این امر تنها نشانه بن بست و درماندگی او است.

واقعیت آنست که در چند سال اخیر شرایط به ضرر جمهوری اسلامی تغییر کرده است. بن بست و فروپاشیدگی اقتصادی، خیزشهای توده ای ۹۶ و ۹۸ و تعرضی تر و گسترده تر شدن مبارزات سرتنگونی طلبانه مردم ایران،



ادامه از صفحه ۳

## ”همانطور که حکومت هیتلر نمیتوانست از یهودی ستیزی دست بکشد و در قدرت بماند، جمهوری اسلامی نیز نخواهد توانست غرب ستیزی را کنار بگذارد و به حکومت خود ادامه دهد. این تناقض ریشه بحران حکومتی مزمن رژیم و دعواها و کشمکشهای ادامه دار جناحهای حکومتی است.“

غربی است. این دیگر بعده نیروهائی نظیر حزب ما است که با بسیج افکار عمومی و نیروهای چپ و مترقی علیه جمهوری اسلامی و رئیس جمهور جلاد و رسوایش زمین را چنان زیر پای دولتهای غربی داغ کنیم که جرات نه تنها مذاکره و توافق بلکه برقراری هر نوع رابطه ای با جنایتکاران حاکم در ایران را نداشته باشند.

**انترناسیونال:** جمهوری اسلامی با حضور رئیسی و کابینه صد در صد امنیتی و نظامی اش که مدام بر طبل ضد آمریکائی گری و ضد اسرائیلی می کوبد چگونه می تواند ناگهان به میز مذاکره برگشته و تمام شعارهای نابود بادش را کنار بگذارد؟ آمریکا امتیازات زیادی می خواهد، سؤال اینجاست آیا رژیم می تواند این هزینه را بدهد بدون اینکه صفوفش بیشتر از امروز بهم بریزد؟ این تناقض را چگونه می شود توضیح داد؟

**حمید تقوائی:** شعارهای ضد آمریکائی جمهوری اسلامی یک هیاهوی تبلیغاتی است که همیشه وجود داشته است بی آنکه هیچگاه، از زمان تسخیر سفارت آمریکا تا امروز، مانع مذاکره و انعقاد قراردادهای پنهان و آشکار بین طرفین باشد. مساله دولتهای غربی بیش از آنکه رتوریک های جمهوری اسلامی باشد، دخالتگریهای نظامی اش در منطقه، حمایت عملی و نظامی از شاخه ضد آمریکائی نیروهای تروریستی اسلامی و تعلق اش به کمپ روسیه-چین است. ترامپ اساسا به دلیل این نوع فعالیتهای جمهوری اسلامی از برجام خارج شد و امروز مقامات دولت بایدن هم همانطور که در بالا اشاره کردم میخواهند به نحوی این مساله را روی میز مذاکرات قرار بدهند.

اما در مورد تناقضی که به آن اشاره کردید ما همیشه بر این واقعیت تاکید کرده ایم که از یکسو جمهوری اسلامی نیازمند نزدیکی به غرب است تا بتواند به بازار جهانی و سیستم مالی بین المللی

داشت. عامل مهمتر، مستقل از اهداف آمریکا از خروج از افغانستان و رابطه آن با موقعیت جمهوری اسلامی، این است که جمهوری اسلامی، همانطور که بالاتر توضیح دادم، اساسا بخاطر جنبشهای توده ای علیه نیروها و دولتهای اسلامی در ایران و در منطقه در موقعیت ضعیفی قرار گرفته است. طالبان هم اساسا به خاطر همین به چالش کشیده شدن نیروهای اسلامی در منطقه نمیتواند به یک دولت با ثبات در افغانستان تبدیل شود و اهداف استراتژیک آمریکا را برآورده کند.

به نظر من تحولات اخیر افغانستان به قطب بندی تازه ای در منطقه شکل خواهد داد. قطب بندی ای که در یک سویش نیروهای اسلامی و بلوک بندیهای منطقه ای و جهانی آمریکا-اروپا در مقابل چین-روسیه و وابستگان منطقه ای آنها نظیر پاکستان و قطر و ایران و عربستان و ترکیه قرار دارند و در سوی دیگر نیروهای سکولار و چپ و آزادیخواه در منطقه و در سطح جهانی و توده مردمی که از جنایات و توحش این نیروها و دولتها به ستوه آمده اند. به نظر من تا آنجا که به توده مردم و جنبشهای ضد اسلامیستی در خاورمیانه مربوط میشود مهمترین نتیجه خروج آمریکا از افغانستان بروز آشکار سازش و همراهی تروریسم نظامی آمریکا و

کرده“ اش علیه آمریکا و متحدین او را باز کند بقدرت برگرداند. از نظر دولت آمریکا طالبان نمیتوانست با تشکیل یک دولت نیرومند بحران مزمن حکومتی در آن کشور را به نفع کمپ غرب حل کند. با این هدف بود که مذاکرات دولت آمریکا و رهبران طالبان، که به همین منظور از زندانهای پاکستان آزادشان کرده بودند، در زمان ترامپ آغاز شد و نهایتا در دوره بایدن به نتیجه رسید.

تا آنجا که به جمهوری اسلامی مربوط میشود جایجا شدن قدرت در افغانستان از دو جنبه قابل بررسی است. از یک سو از آنجا که طالبان به شاخه سنی جنبش اسلام سیاسی، از نوع القاعده و داعش، متعلق است این تحول به ضرر جمهوری اسلامی است. اولین بروز این امر سخنان تند و شدید اللحن اخیر حقانی، رهبر نیروها و عملیات تروریستی طالبان و مرد قدرتمند دولت طالبان، علیه تشیع و نیروهای شیعه است و روشن است که این امر به تخصم میان طالبان و جمهوری اسلامی بیشتر دامن خواهد زد. از سوی دیگر خروج نیروهای آمریکا و هم پیمانانش از یک کشور هم مرز ایران امر مثبتی برای جمهوری اسلامی تلقی میشود و تا همین جا مومنتم تازه ای به تبلیغات ضد آمریکائی رژیم داده است.

اما هیچیک از این دو جنبه تاثیر مهمی در موقعیت جمهوری اسلامی نخواهد

از افغانستان توضیح داده ام. اینجا فقط به دو نکته اشاره میکنم.

اول اینکه از نظر استراتژیک خروج آمریکا از افغانستان و بازگرداندن طالبان در پایه ای ترین سطح ناشی از شکست استراتژی هژمونی طلبی میلیتاریستی آمریکا بود. با پایان دوره جنگ سرد سیاست راهبردی قدرت نمایی نظامی از دوره بوش پدر در دستور هیات حاکمه آمریکا قرار گرفت اما یورشهای نظامی سه گانه آمریکا ( جنگ خلیج در ۱۹۹۱، حمله به افغانستان و حمله دوم به عراق در ۲۰۰۳) به سلطه هژمونیک آمریکا منجر نشد و نافرجام ماند. ازینرو از دوره اوپاما سیاست تازه ای مبنی بر برخورد دیپلماتیک با دولتها و نیروهای اسلامی و نزدیکی با آنها به شرط آنکه “مشتهای” دستور کار آمریکا قرار گرفت. مذاکره و توافق با طالبان و خروج از افغانستان در ادامه این سیاست صورت گرفت و یک نمونه بارز این چرخش در سیاست منطقه ای آمریکا بود.

نکته دوم اینکه از نظر تاکتیکی دولتهای نوع لویا جرگه ای مورد حمایت آمریکا در افغانستان، کمترین پایگاه و نفوذی در جامعه و حتی در میان بوروکراسی و ارتش خود نداشتند و موجد کشمکش و بحرانهای پی در پی حکومتی بودند. ازینرو هیات حاکمه آمریکا از زمان ترامپ به این نتیجه رسید که طالبان را با این شرط که “مشتهای گره

راه بیاید و از فروپاشی محتوم نظام خود جلوگیری کند و از سوی دیگر بخاطر هویت ضد آمریکائی و غرب ستیزانه اش و موقعیت محوری ای که از این نظر در جنبش تروریستی اسلام سیاسی یافته است نمیتواند خصومت با آمریکا و غرب را کنار بگذارد. همانطور که حکومت هیتلر نمیتوانست از یهودی ستیزی دست بکشد و در قدرت بماند، جمهوری اسلامی نیز نخواهد توانست غرب ستیزی را کنار بگذارد و به حکومت خود ادامه دهد. این تناقض ریشه بحران حکومتی مزمن رژیم و دعواها و کشمکشهای ادامه دار جناحهای حکومتی است. از زمان ریاست جمهوری بنی صدر تا امروز تلاش برای “حفظ نظام” با تاکیدات متفاوت در مورد رابطه با آمریکا و غرب، دارودسته های مختلف حکومتی را بجان یکدیگر انداخته است اما این تناقض همزاد جمهوری اسلامی است و تنها با سرنوشتی این حکومت حل خواهد شد.

**انترناسیونال:** گفته می شود یکی از دلایلی که آمریکا افغانستان را به طالبان سپرد، بن بست مذاکرات برجرامی و فشار سیاسی - نظامی توسط طالبان به ایران است. آیا در این تحلیل حقیقتی نهفته است؟

**حمید تقوائی:** خیر، به نظر من بازگرداندن طالبان، بهیچوجه به برجرام و کلا به رابطه غرب با جمهوری اسلامی، ربطی ندارد. من در مقالات دیگری در مورد دلایل خروج آمریکا

ادامه از صفحه ۴

تروریسم اسلامی، و شفاف و قطبی و سراسر شدن مقابله جنبشها و مبارزات توده ای علیه کلیه این نیروها است.

**انترناسیونال:** بعد از خوابیدن سر و صدا و تبلیغات رژیم از پیروزی انعقاد قرارداد ۲۵ ساله با چین، اکنون حکومت عضو شدن در پیمان شانگهای را جشن می گیرد. بعضی از ناظران و حتی جریانات سیاسی اپوزیسیون، این اتفاق را نوعی پیروزی برای جمهوری اسلامی معنی می کنند و آن را دور زدن تحریم ها دانسته و از این منظر معتقدند که نفس وجود برجام و توافقات احتمالی بر سر آن دیگر آن اهمیت سابق را برای رژیم ندارد، شما چه فکر می کنید؟

**حمید تقوائی:** به نظر من عضویت جمهوری اسلامی در پیمان (و یا سازمان) شانگهای یک امر صرفا دیپلماتیک سیاسی بود و از نظر اقتصادی مشکلی از جمهوری اسلامی و اقتصاد شدیدا بحرانزده اش حل نخواهد کرد. مدتهاست که جمهوری اسلامی با چین و روسیه مبادلات و قراردادهای اقتصادی متعددی دارد و با این حال نتوانسته است حتی تخفیفی در وخامت وضعیت اقتصادی بدهد. بویژه از زمانی که آمریکا از برجام خارج شد جمهوری اسلامی بسیار تلاش کرد که از طریق گسترش روابط و مبادلات اقتصادی خود با کمپ روسیه- چین تحریمهای غرب را جبران کند ولی به نتیجه ای نرسید. علت این امر هم روشن است. در سیستم سرمایه داری جهانی حرف اول را هنوز آمریکا میزند و هیچ کشوری، حتی خود چین و روسیه، نمیتواند آمریکا را دور بزند و اقتصاد با ثبات و قیل اتکائی برای سرمایه داران داشته باشد. برای هیچ دولتی ورود به بازار جهانی، گرفتن اعتبار از بانکهای جهانی و مبادلات بانکی و ارزی در سطح بین المللی بدون رابطه اقتصادی با آمریکا امکان پذیر نیست. از همین رو برای دولت چین روابط اقتصادی با آمریکا و هم پیمانان آمریکا بسیار مهمتر و

تحوالات اخیر افغانستان به قطب بندی تازه ای در منطقه شکل خواهد داد. قطب بندی ای که در یک سویش نیروهای اسلامی و بلوک بندیهای منطقه ای و جهانی آمریکا- اروپا در مقابل چین- روسیه و وابستگان منطقه ای آنها نظیر پاکستان و قطر و ایران و عربستان و ترکیه قرار دارند و در سوی دیگر نیروهای سکولار و چپ و آزادیخواه در منطقه و در سطح جهانی و توده مردمی که از جنایات و توحش این نیروها و دولتها به ستوه آمده اند. به نظر من تا آنجا که به توده مردم و جنبشهای ضد اسلامیستی در خاورمیانه مربوط میشود مهمترین نتیجه خروج آمریکا از افغانستان بروز آشکار سازش و همراهی تروریسم نظامی آمریکا و تروریسم اسلامی، و شفاف و قطبی و سراسر شدن مقابله جنبشها و مبارزات توده ای علیه کلیه این نیروها است.

مساعدی برای سرمایه گذاری محسوب نمیشود. سلطه باندهای مافیائی حکومتی بر اقتصاد حصولتی، فساد همه جانبه و دزدی و چپاول این دار و دسته ها که بخصوص بعد از تحولات ۹۶ و ۹۸ به فردای خود مطمئن نیستند، همه هم از نتایج این وضعیت بی ثبات و نامتعرف اقتصادی، و هم تشدید کننده آنست. مردم هم به این واقعیت پی برده اند که منشاء فقر و گرانی و بیکاری و دیگر مصائب آنها نفس وجود جمهوری اسلامی است. شعار توده ای "دشمن ما همین جاست، دروغ میگو آمریکاست" بروشنی این واقعیت را نشان میدهد. بحران اقتصادی جمهوری اسلامی بحران مرگ او است و تنها با سرنگونی حکومت بقدرت انقلاب مردم میتواند حل شود.

۲۹ سپتامبر ۲۰۲۱

خیزش توده ای ۹۶ که اساسا در اعتراض به سه برابر شدن قیمت بنزین و کلا علیه شرایط غیر قابل تحمل معیشتی به میدان آمد در اوج برجام رخ داد و همین یک واقعیت نشان میدهد که علت اصلی مصائب و مشکلات مردم تحریمها نیست. خانه از پای بست ویران است.

جمهوری اسلامی بخاطر سیاستهای غرب ستیزانه اش و منزوی ماندن از بازار جهانی سرمایه و مهمتر از آن بخاطر آنکه از همان روز اول با اعتراضات رو به رشد و گسترش توده مردم مواجه بود هیچگاه نتوانست حداقل شرایط لازم برای شکل گرفتن یک اقتصاد متعارف سرمایه داری، حتی در همان سطح دیگر کشورهای منطقه نظیر ترکیه و یا اردن و مصر را فراهم آورد. بی ثباتی سیاسی و لذا ناتوانی از برنامه ریزی اقتصادی حتی کوتاه مدت و چند ساله یک خصوصیت دائمی و ساختاری جمهوری اسلامی است و این بی ثباتی، با یا بدون حکومت، شرایط

حتی با اتحادیه اروپا راه حل وضعیت وخیم اقتصادیاش نیست.

با توجه به این واقعیات عضویت رژیم در پیمان شانگهای را باید نه یک پیشرفت اقتصادی بلکه جزئی از تلاشهای جمهوری اسلامی برای وارد شدن به مذاکرات برجام از موضعی قویتر محسوب کرد. پیمان شانگهای در واقع آلترناتیو برجام نیست بلکه جزئی از تانگوی سیاسی برای تجدید برجام با شرایط مساعدتری برای جمهوری اسلامی است.

**انترناسیونال:** جمهوری اسلامی با برجام، یا بی برجام به کدام سو می رود؟

**حمید تقوائی:** به سوی سرنگونی! ما بارها تاکید کرده ایم که بحران مزمن اقتصادی حکومت ناشی از خروج آمریکا از برجام و تحریمهای حداکثری نیست. تحریمها بحران اقتصادی حکومت را وخیم تر کرده است اما علت این وضعیت سیاستها و عملکرد خود حکومت است.

تعیین کننده تر از رابطه اش با جمهوری اسلامی و حتی روسیه و دیگر کشورهای عضو پیمان شانگهای است. بعنوان مثال حجم مبادلات تجاری چین با آمریکا بیش از ده برابر مبادلاتش با جمهوری اسلامی است. در منطقه نیز شریک تجاری اول چین عربستان و در درجه دوم قطر است و واضح است که چین این روابط را بخاطر نزدیکی با جمهوری اسلامی به خطر نخواهد انداخت. کما اینکه بلافاصله بعد از خروج آمریکا از برجام شرکتهای چینی نیز خاک ایران را ترک کردند، حسابهای بانکی جمهوری اسلامی را مسدود کردند و موازین دولت آمریکا در رابطه با تحریم جمهوری اسلامی را رعایت کردند.

بنابراین روشن است که برجام کماکان برای جمهوری اسلامی اهمیت تعیین کننده ای دارد. بویژه خروج آمریکا از این معاهده بیش از پیش به جمهوری اسلامی نشان داد که در غیاب آمریکا روابط اقتصادی با چین و روسیه و



# زنان علیه طالبان

## ملاقات با

## مسئول کمیسیون حقوق بشر آلمان

### گزارش سیامک بهاری

روز دوشنبه ۲۷ ماه سپتامبر ۲۰۲۱، مینا احدی و اولریکه بکر با خانم گیده یزن مسئول کمیسیون حقوق بشر آلمان دیدار و گفتگو کردند.

در این گفتگو که به مدت یکساعت و نیم ادامه داشت، مینا احدی در مورد چند موضوع با خانم یزن صحبت کردند. موضوع اول نجات جان و انتقال فوری زنان فعال و مدافع حقوق زن از افغانستان و همچنین خبرنگاران و افراد همجنسگرا و آتیست که بدلیل فعالیتهای خود، از طرف طالبان تهدید شده و یا در معرض دستگیری و خطر جدی هستند، بود. احدی یک لیست ده نفره از این افراد را در اختیار کمیسیون حقوق بشر گذاشت و گفت ما بدلیل اینکه از همان روز های اول به قدرت رسیدن طالبان، فراخوانی را با چند خواست مشخص علنی کردیم که بیش از ۶۰۰ نفر آنرا امضا کرده بودند و نهادی را به نام زنان علیه طالبان تاسیس کردیم، زنان و مردان زیادی از افغانستان با ما تماس دارند و لیست ما هم اکنون حدود ۸۰ نفر هست که به تدریج در اختیار شما قرار خواهیم داد.

خانم یسنن با تاکید بر اینکه

مورد افرادی که جانشان در خطر است از امکان ویزای حقوق بشری و یا پناهندگی حقوق بشری استفاده کرده و کمک کنید ما تعدادی را به آلمان منتقل کنیم.

خانم یسنن گفت ما این چهار پرونده را در اختیار وکیل خودمان قرار میدهیم تا در مورد امکانات عملی انتقال آنها اقدام کند.

محور سوم در مورد تهیه لیستی از مقامات حکومت اسلامی و جنایتکارانی بود که ممکن است به آلمان و یا اروپا سفر کنند. در این مورد اولریکه بکرکه بررسی مفصلی انجام داده بود به خانم یسنن گفت من الان سندی را در دست دارم که در پارلمان آلمان در مورد مواردی همچون سفر شاهرودی به آلمان و یا بقیه مقامات حکومت اسلامی از دولت سوال شده و اینکه چه باید کرد که این افراد فوراً و به محض ورود به کشور بازداشت شوند.

خواست ما نهادی که من نمایندگی و همچنین نهادهایی که مینا احدی آنها را نمایندگی می کند این است که ما سازمانهای غیر دولتی یک لیست تهیه کنیم با اسامی و همچنین اسنادی که مبنی بر ارتکاب جرم این افراد هست، و این لیست در اختیار دولت قرار بگیرد و

هشتاد ضربه شلاق کرده است. خانم محمدی گفته است اصلاً اجازه نخواهم داد بر بدن من تازیانه بزنند و ما بشدت این رفتار شنیع و وقیحانه حکومت اسلامی را محکوم میکنیم و از شما میخواهیم در این مورد فوری اقدام کنید. خانم یسنن از مینا احدی پرسید آیا فکر میکنی نامه ای برای مقامات حکومت بفرستیم و آنرا علنی نکنیم یا اینکه بطور علنی اعتراض کنیم. مینا احدی گفت ارسال نامه عدم پاسخگویی حکومت تاثیر ندارد، شما بهتر است علنی اعتراض کنید و این در دنیای امروز که این نوع اقدامات به یک اتفاق مهم خبری تبدیل و در شبکه های اجتماعی و رسانه ها منتشر میشود، فشار بیشتری بر حکومت اسلامی ایران دارد و قرار شد نامه ای علنی بزودی منتشر بشود.

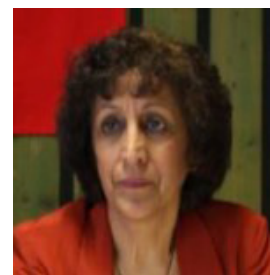
دولت اینها را بررسی و تأیید کند و به محض ورود این افراد آنها دستگیر شوند و نه اینکه فراری داده شوند. مینا احدی در این بخش در مورد کمپین دستگیری شاهرودی و منصوری و تردست حرف زد و گفت دولت با ما همکاری نکرد و تو گویی اصلاً نمی خواست با حکومت اسلامی ایران در این موارد درگیر بشود. خانم یسنن گفت موضوع بر سر درگیر نشدن با حکومت اسلامی نبود و ما هم فکر میکنیم حتی در مواردی که فرزندان آنها به این کشور می آیند و با عنوان معالجه و اقدام پزشکی هم می آیند باید مورد بازخواست قرار بگیرند و در مورد تهیه لیست از طرف نهادهای غیر دولتی و اپوزیسیون هم گفت اقدام خوبی است و باید دست بکار شد.

آخرین قسمت صحبتها در مورد نرگس محمدی بود. مینا احدی با معرفی نرگس محمدی بعنوان یک چهره شجاع و سرشناس در ایران که به دلیل فعالیتهای سیاسی و نقد حکومت اسلامی، سالها است از فرزندان و خانواده خود دور است و بارها محاکمه و دستگیر شده است، گفت اخیراً حکومت اسلامی ایران مجدداً نرگس محمدی را محکوم به زندان و همچنین

۲۹ سپتامبر ۲۰۲۱



## در شوراهای اسلامی را باید در همه جا گل گرفت



شهلا دانشفر

## روز هفتم مهرماه کارگران نیشکر هفت تپه در دومین روز دور جدید اعتصابات خود برای پیگیری مطالباتشان درب شورای اسلامی این نهاد ضد کارگری را بطور واقعی گل گرفتند.

روز هفتم مهرماه کارگران نیشکر هفت تپه در دومین روز دور جدید اعتصابات خود برای پیگیری مطالباتشان درب شورای اسلامی این نهاد ضد کارگری را بطور واقعی گل گرفتند. در این روز کارگران بعد از تجمع در محوطه شرکت جلوی دفتر شورای اسلامی جمع شدند و با شعار شورای ضد کارگر نمیخواهیم، نمیخواهیم و با گل گرفتن در شورا انحلال کامل این تشکل جاسوسی و دست ساز ضد کارگری حکومتی در هفت تپه را اعلام داشتند. این اتفاق لحظه درخشان دیگری در اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه است و به همه کارگران در سطح جامعه راه نشان میدهد.

نیشکر هفت تپه آینه روشنی از عملکرد ضد کارگری و ضد مردمی شورای اسلامی است. جمهوری اسلامی بعد از سرکوب اعتراضات درخشان این کارگران در سال ۹۷ و حمله وحشیانه به مجمع نمایندگی آنان و دستگیریها، با همدستی اطلاعات و حراست و دادستانی پرچم شورای اسلامی را در این کارخانه برافراشت تا بطور نمایشی هم که شده نشان دهد که بر اوضاع کنترل دارد. استفاده از ابزار سرکوب برای تشکیل شورای اسلامی با احضار و تهدید فعالین کارگری به زندان برای تحمیل آن در این شرکت بیش از هر چیز ضعف و استیصال حکومت را به نمایش میگذاشت. بعد هم در تمام این مدت شاهد همدستی کامل شورای اسلامی سرهم بندی شده حکومت با باند مافیایی اسدیگی و نقش سرکوبگرانه و فعالیت های

جدال با شوراهای اسلامی یک عرصه همیشگی مبارزات کارگری و بطور واقعی جزئی از جدال دائمی کارگران علیه سرکوبگری های حکومت در محیط های کار بوده است. دلیلش نیز به روشنی مکان تعریف شده این تشکلهای حکومتی علیه مبارزات کارگری است. اما امروز تفاوت اینجاست که جنبش کارگری در سیر حرکت بالنده و به پیش خود برای جمع کردن بساط این نهادهای سرکوب از محیط های کار خیز برداشته است. یک کانون مهم چنین جدال قهرمانه ای نیشکر هفت تپه است و باید آنرا در همه جا تکثیر کرد.

### نقش و جایگاه امروز شوراهای اسلامی برای حکومت

واقعیت اینست که شوراهای اسلامی از همان ابتدا اساسا در مقابل تشکل یابی واقعی و مستقل کارگری یعنی شوراهای کارگری شکل گرفتند و نقش مهمی در سرکوب شوراها و جنبش کارگری بویژه در همان

در مجمع عمومی به عنوان تشکل واقعی شان تاکید کردند. بعد هم در روز برپایی نمایش مسخره انتخاباتی شورای اسلامی متحدانه ایستاده و اعلام کردند که اجازه این بازیها و توطئه گریها را نخواهند داد. و عملا بساط نمایش انتخاباتی شورای اسلامی در این شرکت را برهم زدند. بدینگونه روز ۲۲ دیماه ۹۹ یک روز درخشان دیگر در مبارزات کارگران فولاد اهواز رقم خورد.

کارگران نیشکر هفت تپه همانطور که با اعلام نظارت شورایی مدیران فاسد همکار با باند مافیایی اسدیگی را از شرکت بیرون کردند، در روز هفتم مهرماه در شورای اسلامی را هم تخته کردند. و آنچه امروز در این مجتمع کارگری شاهدیم، اعمال اراده مستقیم ۵ هزار کارگر از طریق مجمع عمومی و تصمیم گیری جمعی شان است. بدین ترتیب نیشکر هفت تپه نماد بارزی از قدرت و تصمیم گیری شورایی است. از درسها و تجارب کارگران نیشکر هفت تپه باید آموخت.

جمهوری اسلامی در برابر سربلند کردن قدرتمند اعتراضات کارگری به ابزار زنگ زده خود شورای اسلامی روی می آورد و کارگران نیز قاطعانه مقابل این سیاست ایستاده و عملا مهر باطلی بر این نهادهای ضد کارگری و رسوا زده اند. مثال بارزی از آن اتفاقی است که در دی ماه سال گذشته در فولاد اهواز روی داد. قضیه از این قرار بود که با سر بلند کردن دوباره اعتراضات کارگران فولاد در دیماه ۹۹ و از جمله حرکت اعتراضی آنها علیه مدیران فاسد و بیرون کردن آنها از شرکت، مدیریت مافیایی حاکم بر کارخانه با همدستی خانه کارگریها و اداره کار و حراست دست به کار ایجاد شورای اسلامی شدند تا مانع قدرتگیری دوباره اعتراضات این کارگران و تکرار تجربه نیشکر هفت تپه در این مجتمع سه هزار نفره بشوند. در تقابل با این دسیسه گری ها کارگران طی بیانیه ای اعلام کردند که اجازه نمیدهند که شورای اسلامی در این کارخانه پا بگیرد و در آن بر ایجاد تشکل مستقل و واقعی خود و اتکاء به تصمیم گیری

تفرقه افکنانه آنها در میان کارگران بودیم. در برابر کارگران نیشکر هفت تپه در طول مبارزاتشان به اشکال مختلف مقابل شوراهای اسلامی ایستاده و اعلام کرده اند که این تشکل حکومتی است و ربطی به آنها ندارد و همواره یک بنر اعتراضی آنها در تجمعاتشان در اعتراض به وجود کثیف این نهادهای ضد کارگری بوده است. کارگران نیشکر هفت تپه قبلا نیز در شهریور سال ۹۹ با ارائه طوماری با ۲۰۰۰ امضا به وزارت کار در تهران و اداره کار در شوش بر انحلال فوری شورای اسلامی تاکید کرده بودند.

اکنون در ادامه این کشاکش ها وقتی که کارگران در این هفته دیدند که شورای اسلامی علیه آنها نامه داده و مشغول توطئه گریهای جدیدی است متحدانه تصمیم گرفتند و در آن را گل بگیرند و در هفتم مهرماه تصمیم خود را عملی کردند.

اتفاقاتی که در هفت تپه روی داد و آنچه بر سر شوراهای اسلامی در این شرکت آمده منحصر به این شرکت نیست.

” در همین دور جدید اعتصاب کارگران پیمانی پروژه ای نفت به پیش برد و دیدیم که شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت طی بیانیه ای تحت عنوان ” نگذاریم شوراهای اسلامی به مراکز نفتی راه یابند“ قاطعانه در مقابل آن ایستاد و از جمله در بخشی از بیانیه آن چنین آمده بود: ”در حالیکه اعتصاب سراسری ما کارگران پیمانی پردوام به جلو می‌رود مسئولین با عجله به فکر ایجاد شورای اسلامی افتاده اند. با این کار می‌خواهند کنترل خود را بر مراکز نفتی بالا ببرند و فضا را بیشتر امنیتی کنند. همکاران عزیز باید جلوی این توطئه‌گری‌ها را گرفت.“ بدین ترتیب این گفت‌وگو توسط کارگران نفت با سرعت کنار زده شد.

اوان انقلاب داشته اند. این تشکلهای دست ساز حکومتی بنا بر تعریف و همانطور که از اسمشان مشخص است، تشکلهای ایدئولوژیک اسلامی هستند که مطابق قانون مصوب حکومت، کسانی حق انتخاب شدن در آنها را دارند که معتقد به جمهوری اسلامی و ولایت فقیه هستند و نباید سابقه مخالفت با رژیم داشته باشند، و صلاحیت آنها قبلاً توسط ”هئیت تشخیص“ که در واقع توسط وزارت کار و مراجع پلیسی انتخاب می‌شود، تأیید می‌شود. بعلاوه در قانون شورای اسلامی قید شده است که آنها موظفند هرگونه ” تشنج و وقایع ناگوار“ را به مقامات مربوطه گزارش کنند و وظیفه شان همکاری با مدیریت، بالا بردن تولید و حفظ نظم و انضباط و اخلاق اسلامی در محیط کار تعیین شده است. به این اعتبار شوراهای اسلامی ابزار دست مدیریت و دولت برای جاسوسی علیه کارگران و در خدمت سرکوب اعتراضات کارگری در محیط های کار است. در همین راستا جاسوسی و پیگرد فعالین و رهبران کارگری و بطور مثال اعمال فشار به زنان کارگر بر سر حجاب و مقررات اسلامی از جمله وظایف آنهاست و کار آنها ایجاد تفرقه در میان کارگران بر اساس مذهب و جنسیت و کنترل اعتراضات کارگری در جهت منافع کارفرمایان و دولت است.

ای کارگری در محیط های کار است.

کارگران نیشکر هفت تپه همانطور که با اعلام نظارت شورایی مدیران فاسد همکار با باند مافیایی اسدیگی را از شرکت بیرون کردند، در روز هفتم مهرماه در شورای اسلامی را هم تخته کردند. این کارگران بر مجمع عمومی به عنوان محل تصمیم گیری جمعی تأکید کرده و حمایت خود را قاطعانه از مجمع نمایندگانشان اعلام کرده اند. آنها مجمع عمومی و مجمع نمایندگانشان را تشکل واقعی خود میدانند. بطور واقعی نیز آنچه که امروز در این مجتمع کارگری شاهدیم، اعمال اراده مستقیم ۵ هزار کارگر از طریق مجمع عمومی و تصمیم گیری جمعی شان است. بدین ترتیب نیشکر هفت تپه نماد بارزی از قدرت و تصمیم گیری شورایی است. از درسها و تجارب کارگران نیشکر هفت تپه باید آموخت.

آمده بود: ”در حالیکه اعتصاب سراسری ما کارگران پیمانی پردوام به جلو می‌رود مسئولین با عجله به فکر ایجاد شورای اسلامی افتاده اند. با این کار می‌خواهند کنترل خود را بر مراکز نفتی بالا ببرند و فضا را بیشتر امنیتی کنند. همکاران عزیز باید جلوی این توطئه‌گری‌ها را گرفت.“ بدین ترتیب این گفت‌وگو توسط کارگران نفت با سرعت کنار زده شد.

در ادامه چنین کشاکش هایی در سطح جنبش کارگری است که امروز کارگران نیشکر هفت تپه با گل گرفتن در شورای اسلامی تیر آخری بر پیکر این نهاد ضد کارگری زده و در صف جلوی اعتراض قرار گرفته اند. از تجارب کارگران نیشکر هفت تپه باید آموخت و در شوراهای اسلامی این نهادهای جاسوسی و سرکوب حکومتی را در تمام محیط های کارگری به گل گرفت و بساطشان را از همه جا جمع کرد. جمع کردن بساط شوراهای اسلامی و بیرون انداختن نهادهای سرکوب حکومت چون حراست از محیط های کار قدمی مهم برای کنار زدن موانع سازمانیابی واقعی توده

همواره زنگ خطری برای حکومت بوده و جمهوری اسلامی همه تلاشش این بود که با استفاده از ابزارش چون شورای اسلامی صف اعتراض کارگران را متفرق کند. در مقابل سازمانیابی بیشتر آنها و قدرت یابی شوراهای سدی باشد و با سرکوب اعتراضات کارگران از طریق این نهادهای ضد کارگری و کمیته انضباطی شان نگذارند اوضاع بیش از این از کنترلشان خارج شود. از همین رو همانطور که اشاره کردم جمهوری اسلامی در نیشکر هفت تپه بعد از سرکوب اعتراضات قدرتمند سال ۹۷ سعی کرد شوراهای اسلامی را علم کند. سپس در برابر تحركات جدید اعتراضی در میان کارگران فولاد اهواز در سال گذشته تلاش کرد از همین در وارد شود و همین نقشه و سیاست را سعی کرد در همین دور جدید اعتصاب کارگران پیمانی پروژه ای نفت به پیش برد و دیدیم که شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت طی بیانیه ای تحت عنوان ” نگذاریم شوراهای اسلامی به مراکز نفتی راه یابند“ قاطعانه در مقابل آن ایستاد و از جمله در بخشی از بیانیه آن چنین

ابزار زنگ زده خود یعنی شوراهای اسلامی روی آورده و در مقابل تأکید کارگران به تصمیم گیری شورایی، تلاش میکند که شوراهای اسلامی را علم کند. از سوی دیگر برافراشتن حتی نمادین پرچم این نهادهای ضد کارگری اسلامی در محیط های کار خصوصاً در کانون های داغ اعتراضی ای چون نیشکر هفت تپه و فولاد اهواز و نفت و ... برای حکومت اسلامی که هر روز خود را در موقعیت تضعیف شده تری می بیند، به نوعی نشانه ای از اثبات وجود خود و وانمود کردن به کنترل داشتن بر اوضاع است.

این چنین است که جمهوری اسلامی امروز تلاش میکند با استفاده از چنین نهادهای ضد کارگری ای صف اعتراض کارگران را متفرق کند، در مقابل سازمانیابی بیشتر آنها و قدرت یابی شوراهای سدی باشد و با سرکوب اعتراضات کارگران از طریق این نهادهای ضد کارگری و کمیته انضباطی شان نگذارد اوضاع بیش از این از کنترلش خارج شود. خصوصاً بلند شدن پرچم شوراهای در نیشکر هفت تپه و در کنارش فولاد اهواز



## جنایت با چاشنی یاوه سرایی

۹ موجهای جدید حمله کووید ۱۹ و "سویه‌های مدرتر" آن در بازی رنگ شهرها معنی مرگ را همی میکنند و نمایندگان سرمایه و خدا ارزاق را به بازار سیاه روانه میکنند و می‌چاپند! ادعا میکنند تا کنون ۷ یا ۸ نوع واکسن ساخته‌اند که میلیونها هزینه برده و هیچ خیری نداشته جز تاراج پول مردم، کمی آنطرفتر وپروس یاب مستعان را با استفاده از در قابلمه ساختند، هزینه‌ها را به حساب ریختند و هیچ و... و پوچ!



سیاوش مدرسی

مثل محمد، چنگیز، نادر شاه، علی و عمر و هیتلر و خمینی و خامنه‌ای ... و ...

اما بنظر میرسد آنچه که در ایران اسلام زده میگردد بیشتر در افزوده‌ای بر این تاریخ شنیع هست. یعنی هرچه بیشتر مزخرفتر بگویند! هرچه بیشتر چرند بیافند و مخاطب را بخنداندند "قدرتمندتر!" بنظر خواهند آمد. دستکم امت ابله ذوب‌شده در خدای روی زمین را که طالب رزق و روزی بیشتر هم هستند را موقتاً به صف میکنند.

حکایت افاضات و لاف و گزاف های اوباش حاکم بر ایران از بالا تا پایین و از آغاز تا به امروز را باید نه در رده دروغگویی که در مهمل بافی، مزخرف گویی مشتی احمق مفت‌خور انگل دسته بندی کرد، حتی هنگامی که به سبعانه‌ترین وجهی کشتار میکنند، شکنجه میکنند و له میکنند.

دیگر کاملاً آشکار است و نیازی به اثبات ندارد که همدستی سران رژیم الله با ویروس کرونا در ایران تنها نمونه‌ای از کاربرد احمقانه‌ترین و وقیحانه‌ترین یاوه‌گویی‌ها برای سرکوب و چاپیدن مردم است، تنها حلقه‌ای از زنجیره جنایت با چاشنی یاوه‌سرایی است.

رسماعلام کرده‌اند که تاکنون بین ۱۲۰ تا ۱۶۰ هزار نفر را به قتل رسانده‌اند و قبلاً افزوده بودند که ارقام را ضرب در چهار یا شش کنید!

موجهای جدید حمله کووید ۱۹ و "سویه‌های مدرتر" آن در بازی رنگ شهرها معنی مرگ را همی میکنند و نمایندگان سرمایه و خدا ارزاق را به بازار سیاه روانه میکنند و می‌چاپند! ادعا میکنند تا کنون ۷ یا ۸ نوع واکسن ساخته‌اند که میلیونها هزینه برده و هیچ خیری نداشته جز تاراج پول مردم، کمی آنطرفتر وپروس یاب مستعان را با استفاده از در قابلمه ساختند، هزینه‌ها را به حساب ریختند و هیچ و... و پوچ!

"دروغ هرچه بزرگتر باشد باورش راحتتر است!" حتماً شما هم مثل من این جمله معروف از گوبلز وزیر تبلیغات رژیم فاشیستی هیتلر را شنیده‌اید. لابد شما هم خوانده‌اید که: آدولف هیتلر در کتاب "نبرد من" می‌گوید مردم شکست آلمان در جنگ جهانی اول را به این دلیل پذیرفتند که یهودی‌های نفوذی در مطبوعات از این تکنیک استفاده کردند. از نظر او این روش مستلزم آن است که دروغ چنان عظیم باشد که هیچ‌کس باور نکند که "کسی آنقدر گستاخ باشد که چنین بی‌شرمانه حقیقت را تحریف کند." اولین مورد استفاده دروغ بزرگ در این جمله معروف او مستند شده‌است: "در دروغ بزرگ همواره نیروی قابل باور بودن موجود است."

این نکات چه با آن موافق باشیم چه نه، در عمل اجرایی شده و کار برد دارد، از اثبات وجود خدا گرفته تا مسطح بودن زمین! بهر حال باید این را هم اضافه کرد که اگر با شهادی، بتوانید هر نوع تفکر یا عمل ضد انسانی را عمومی کنید آن را به امتیاز، به افتخار و یا ارزش اجتماعی تبدیل میکنند! مثل کشتار در جنگهای ملی، مذهبی و قبیله‌ای، مثل ذبح حیوانات و قربانی کردن آنها، مثل زن‌ستیزی، سیاه‌ستیزی، غریبه و بیگانه‌ستیزی، حتی کمتر از این تعرض به کسی که بهر دلیل قادر به دفاع از خودش نیست. مثالها زیاد است قتل یک نفر جنایت محسوب میشود و کشتار برای دفاع از دین، قبیله، وطن، فرقه و محفل و نژاد به افتخار تبدیل میشود و "قهرمانان کشتار!" پرستش و ستایش میشوند!

اصلی، فقر، بیماری، کشتار، و مرگ و بی‌حقوقی ایست! این نه رژیم دروغگویان که رژیم مشتی انگل مزخرف‌گو و چرند باف است که بیرحمانه کشتار میکند و می‌چاپند. رژیم اسلامی نه نالایق است، نه غیر مدیر و مدبر است و نه دروغگو! رژیم تبهکاران مزخرف بافی است که باید به زیرشان کشید و با اتهام جنایت علیه بشریت دستگیر و به دادگاهشان کشانند.

۲۹ سپتامبر ۲۰۲۱

آمدند؛ همه هم لائیک؛ یعنی بی‌دین بودند نه بی‌خدا. آنها ۱۶ نفر بودند؛ ۷ خانم و ۹ آقا. حتی بعضی‌ها که در بند پوشش و... نبودند، به این سفر آمده و مدام سؤال می‌کردند. این گروه، وقتی که ماجرای حسین را شنیدند، اشک می‌ریختند و از سلیمانی جدا شدند و گفتند که ما کار داریم و خودمان راهی کربلا هستیم!"

حکومت اسلامی در ایران و تحت لوای این مهملات عامل

امروز حاجی سیدرئیسی مزده میدهد که انشالله تا چند روز آینده ۷۰٪ مردم را واکسینه میکند و همزمان مناسک عربده زنان اربعین به راه می‌اندازند و لائیک‌های اروپا را هم در آن شرکت میدهند! باور نمی‌کنید؟ این دروغ‌بافی نیست مزخرف‌گویی و مهمل بافی است. همشهری پنجشنبه ۸ مهر ۱۴۰۰ زیر عنوان: لائیک‌های اروپا در اربعین اروپا می‌نویسد:

"خاطره بعدی را از قول مرحوم علی سلیمانی، هنرمند کشورمان که اخیراً درگذشته است، نقل می‌کنیم. او خودش از علاقه‌مندان این پیاده روی بزرگ بود. می‌گوید سال ۹۲ برای دومین بار عازم این سفر شد. همینطور در سایت جهانی «لانگ‌واک-پیاده‌روی طولانی»، پیغامی گذاشت که هر کسی دوست دارد پک پیاده روی خاص کند، به نجف خیابان ابراهیمی بیاید. خودش هم نمی‌دانست که اصلاً نجف چنین خیابانی دارد یا نه؛ اما بعدها متوجه شد که دارد. در کمال تعجب دید که شهروندانی از برزیل، فنلاند، فرانسه و...

## انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهاب بهرامی

ادیتور: کاظم نیکخواه

مسئول فنی: رضا مرادی

anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته جمعه ها منتشر می شود.

## نویسندگان و هنرمندان جهان به کارزار انجمن قلم آمریکا برای آزادی اعضای زندانی کانون نویسندگان ایران پیوستند.



عضویت در هیئت دبیران کانون نویسندگان ایران - تشکل صنفی نویسندگان ایرانی با بیش از ۵۰ سال قدمت که از دهه‌ی ۱۹۸۰ [۱۳۶۰] تا کنون غیرقانونی اعلام شده است - نقش مهمی در جامعه‌ی ادبی ایران ایفا کرده‌اند.

آبتین، باژن، و خندان (مه‌بابادی)، به‌رغم خطرهایی که برای آنان داشته است، با برگزاری مراسم یادبود، نشست‌های ادبی، انتشار خبرنامه و نشریات دیگر - فعالیت‌هایی که قوه‌ی قضاییه‌ی ایران آنها را جرم‌های سنگینی می‌داند - میراث شاعران، روشنفکران، و مخالفان سیاسی درگذشته‌ی ایرانی را پاس داشته‌اند.

وقت آن است که دولت ایران به حق آزادی بیان نویسندگان، شاعران، و متفکران احترام نهد و سنت‌های پربرابر جامعه‌ی ادبی متکثر ایران را به رسمیت شناسد. ما از شما آقای رئیس جمهوری می‌خواهیم که به حبس ناعادلانه‌ی بکتاش آبتین، کیوان باژن، و رضا خندان (مه‌بابادی) پایان دهید، و تمام کسانی را که به دلیل آزادی برای نوشتن به بند کشیده شده‌اند، آزاد کنید.

۲۷ سپتامبر ۲۰۲۱

آزادانه بیان کنند، پایان دهید. محکومیت آبتین، باژن، و خندان (مه‌بابادی) نتیجه‌ی سال‌ها بازجویی از آنان به علت دفاع‌شان از آزادی بیان و آثارشان است که از سال ۲۰۱۵ [۱۳۹۴] آغاز شد، آن‌گاه که خانه‌های آنها مورد یورش قرار گرفت و نوشته‌هایشان ضبط و توقیف شد. در ۲۰۱۹ [۱۳۹۸]، این سه نویسنده محاکمه و به اتهام‌های «تبلیغ علیه نظام» و «اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت ملی» مجموعاً به ۱۸ سال زندان محکوم شدند. در دادگاه تجدیدنظر، هرچند محکومیت باژن کاهش یافت، اما هر سه آنان در ۲۷ سپتامبر ۲۰۲۰ [۵ مهر ۱۳۹۹] برای اجرای حکم به زندان فراخوانده شدند.

این سه نویسنده - بکتاش آبتین، شاعر، فیلم‌نامه‌نویس، و فیلم‌ساز؛ کیوان باژن، رمان‌نویس و روزنامه‌نگار؛ و رضا خندان (مه‌بابادی)، مؤلف، منتقد ادبی، و پژوهشگر فرهنگ افسانه‌های مردم - با نگارش کتاب، سرودن شعر و نوشتن داستان‌های کوتاه، و ویرایش دانشنامه‌های چندجلدی درباره‌ی قصه‌های ایرانی و تاریخ‌های شفاهی درباره‌ی نویسندگان بزرگ، خدمات درخشانی به تاریخ غنی ادبیات ایران کرده‌اند. همچنین هر سه آنان با

به رئیس جمهوری اسلامی ایران، ابراهیم رئیسی

جناب آقای ابراهیم رئیسی،

ما امضا کنندگان زیر، نویسندگان، روزنامه‌نگاران، هنرمندان آفرینشگر، و حامیان انجمن قلم آمریکا، با ارسال این نامه مصراانه از شما می‌خواهیم سه نویسنده‌ی ایرانی، بکتاش آبتین، کیوان باژن، و رضا خندان (مه‌بابادی)، دریافت‌کنندگان جایزه‌ی انجمن قلم آمریکا به نام «آزادی برای نوشتن»، را آزاد کنید.

آبتین، باژن، و خندان (مه‌بابادی) به اتهام‌های ناعادلانه‌ی «تبلیغ علیه نظام» و «اقدام علیه امنیت ملی» مجموعاً به تحمل ۱۵ سال و شش ماه زندان محکوم شده‌اند. این سه نویسنده در زندان اوین از دسترسی به بیمارستان و مراقبت‌های پزشکی ضروری محروم و آبتین و خندان (مه‌بابادی) هر دو به کووید ۱۹ مبتلا شده‌اند. ما از شما، آقای رئیس جمهوری، می‌خواهیم آبتین، باژن، و خندان (مه‌بابادی) را آزاد کنید؛ آنان را از تمام اتهام‌هایی که در پرونده‌ی حقوقی به ناحق به آنها تفهیم شده است، تبرئه کنید؛ و به مجازات دولتی تمام نویسندگانی که می‌خواهند دیدگاه‌ها و عقاید خود را

آمریکا برای آزادی اعضای زندانی کانون نویسندگان ایران

از حکومت ایران بخواهید بکتاش آبتین، کیوان باژن، و رضا خندان (مه‌بابادی) را آزاد کند.

خطاب به رئیس جمهوری اسلامی ایران، ابراهیم رئیسی

امسال، انجمن قلم آمریکا (پن) با اهدای «جایزه‌ی آزادی برای نوشتن» از نویسندگان زندانی در ایران، بکتاش آبتین، کیوان باژن، و رضا خندان (مه‌بابادی)، قدردانی می‌کند. دولت ایران این سه نویسنده را به علت نوشتن، دفاع از آزادی بیان، و مخالفت مسالمت‌آمیز با سانسور دولتی به بند کشیده است. در ماه مه ۲۰۱۹ [اردیبهشت ۱۳۹۸]، آنان به اتهام‌های بی‌اساس «اقدام علیه امنیت ملی» و «تبلیغ علیه نظام» هر کدام به شش سال زندان محکوم شدند. در سپتامبر ۲۰۲۰ [مهر ۱۳۹۹] پس از دادگاه تجدیدنظر، آنها به زندان اوین احضار شدند تا حکم مجموعاً

۱۵ سال و شش ماه زندان را تحمل کنند، و این در حالی بود که بیماری همه‌گیر کووید ۱۹ در زندان‌های ایران بیداد می‌کرد. به کارزار انجمن قلم آمریکا برای آزادی این سه نویسنده بپیوندید.

روز ششم مهر ماه ۱۴۰۰، انجمن قلم آمریکا کارزار خود برای آزادی سه عضو زندانی کانون نویسندگان ایران، رضا خندان (مه‌بابادی)، بکتاش آبتین و کیوان باژن را آغاز کرد. انجمن قلم آمریکا در فراخوانی که به امضای شصت نویسنده، روزنامه‌نگار و هنرمند نامدار رسیده، از حکومت ایران خواسته سه نویسنده‌ی دربند کانون را که به تازگی برنده‌ی «جایزه‌ی آزادی برای نوشتن» شده‌اند، آزاد کند. امضاکنندگان با یادآوری فعالیت‌های این سه نویسنده در عرصه‌ی ادبیات و نیز در کانون نویسندگان ایران، فعالیت‌های آنها را که از سوی حکومت مصداق اتهام تلقی شده، پاسداشت «میراث شاعران، روشنفکران، و مخالفان سیاسی درگذشته‌ی ایرانی» خوانده‌اند و از حکومت ایران خواسته‌اند حق آزادی بیان را به رسمیت بشناسد و «به مجازات دولتی تمام نویسندگانی که می‌خواهند دیدگاه‌ها و عقاید خود را آزادانه بیان کنند» پایان دهد.

برای پیوستن به این کارزار می‌توانید از لینکی که در انتهای مطلب آمده استفاده کنید.

ترجمه‌ی متن فراخوان:

کارزار جهانی انجمن قلم

## از مدیای اجتماعی حزب

فیسبوک حزب: [www.facebook.com/wpiran](http://www.facebook.com/wpiran) اینستگرام: [www.instagram.com/wpi91](http://www.instagram.com/wpi91) تلگرام: [telegram.me/wpi\\_hkki](https://t.me/wpi_hkki) شماره اپ و تلفن تماس: ۰۴۶۷۰۰۴۴۷۴۲۵

## قانونی شدن ازدواج #همجنسگرایان در #سوئیس و شکست راستگرایان



دفاع از حقوق رنگین کمانی ها میدانم. در مقابل مخالفت رهبران حزب راستگرا و اعضای کمپین های مخالف محقق بودن همجنسگرایان برای ازدواج و فرزند داشتن و فرزند آوری، نظر اکثریت مردم در این رای گیری پاسخ درخوری به ارتجاع موجود در سوئیس بوده.

گرچه نوع گرایش جنسی هم ارتباطی به کسی ندارد و خود این رای گیری هم برایم زیر سوال است، ولی همچنان این اتفاق را مثبت میدانم.

شیرین شمس  
۲۹ سپتامبر ۲۰۲۱

نتایج این همه پرسی سراسری نشان می دهد که ۶۴.۱ درصد رای دهندگان به آن رای مثبت داده اند.

سازمان عفو بین الملل با استقبال از این رخداد تاکید داشته که قانونی کردن ازدواج دو همجنس مرحله مهمی در راه برابری محسوب می شود.

پ.ن. گرچه با ازدواج و به هر شکلی از قانونی و رسمی کردن رابطه افراد مخالفم و این مسأله را دخالت در روابط خصوصی افراد تلقی میکنم، اما این قانون را به نفع جنبش

اکثریت مردم سوئیس با حضور در یک همه پرسی درباره قانونی شدن ازدواج دو همجنس و حق به فرزنددی پذیرفتن کودکان، به آن رای مثبت دادند.

این قانون اجازه به زوج های همجنس می دهد که بتوانند کودکی را به فرزنددی بپذیرند. همچنین به زوج های لژیبن نیز اجازه می دهد تا بتوانند از طریق لقاح مصنوعی با اسپرم بچه دار شوند.

سوئیس یکی از آخرین کشورهای غرب اروپا به شمار می آید که قانون ازدواج همجنس را تصویب می کند.

## سپیده قلیان به دادسرای بوشهر احضار شد



تپه بارها به خیابان آمده و علیه دزدان میلیاردی که توسط رژیم در شرکت کشت و صنعت هفت تپه گماشته شده اند دست به تجمع و سخنرانی زده بود، توسط چماق بدستان سپاه بارها دستگیر و با احکام بی شرمانه قوه قضاییه به زندان محکوم شد و اکنون بعد از افشاگری مسئولین زندان بوشهر به تجاوز و شکنجه زندانیان زن در زندان، مجدداً حکم احضار به دریافت کرد.

عظیم مطور  
۲۹ سپتامبر ۲۰۲۱

سپیده قلیان بارها به افشاگری از شکنجه گاه های رژیم دست زده است، او بر علیه بازجو خبرنگارهای سپاه دست به افشاگری زد و اعترافات اجباری را گوشه ای از شکنجه های چماق بدستان سپاه خواند و از شکنجه شدن اسماعیل بخشی توسط اطلاعات سپاه گفت، او همچنین به افشاگری درباره بهره کشی از زندانیان زن عرب زندان سپیدار اهواز سخن گفت که توسط بازجویان اطلاعات سپاه مورد بازخواست قرار گرفت.

سپیده قلیان فعال کارگری که به حمایت از کارگران هفت

سپیده قلیان روز چهارشنبه با انتشار ابلاغیه ای که دریافت کرده در صفحه شخصی خود نوشت: «جمهوری اسلامی به بار دیگه ثابت کرد که جواب دادخواهی و حقیقت، سرکوب و انتقامه» و در ادامه مینویسد: «خجالت می کشم تو روزی که شاهد شکنجه ی نوید افکاری رو کشتن، خبر از شکایت اداری سازمان های بوشهر بدم. اما چاره ای نیست. نجات دهنده در گور خفته است» و صدا به صدا نمی رسد. این ابلاغیه ۲ روز پیش به دستم رسید و جمهوری اسلامی به بار دیگه ثابت کرد که جواب دادخواهی و حقیقت، سرکوب و انتقامه.

## «این نمی گذرد...»

نجات اسلام و آخوند بر سر خود بکوبید نخواهید توانست این انبان ارتجاع و جنایت و ضد علم و دانش و منادیان تبهکار آن را نجات دهید. این تازه آغاز کار است. فکر نکنید که مردم

بر ایشان تنگ شد که وی در جوابی کامنتی زیر پست فیس بوکی اش در واکنش به انتقاداتی که به وی شده بود نوشت: «این نیز بگذرد...»

نخیر! این نمی گذرد علی افشاری! شما و همپالگی هایتان هر چقدر هم برای

است. مدتی زیادی نگذشت که جواب این افاضات علی افشاری به سرعت برق از جانب کاربران شبکه های اجتماعی داده شد و به او گوشزد کردند که ماله کشی اسلام و آخوند دیگر در این جامعه جایی ندارد و زمانش بسر آمده است. قافیه چنان

محکمی از جامعه می گیرند. همین چند روز پیش که یکی از فسیل های اسلامی بنام حسن حسن زاده آملی مرد، علی افشاری برای ما در پستی در فیس بوک خود نوشت که گویا فرد متوفی آخوند «عالم و خوبی» بوده و «گوهر» دیگری داشته

به نظر می رسد بچه اسلامی های حزب الهی سابق که البته مدتی است اصلاح طلب شده اند هر از گاهی مایلند عیار ضد اسلامی بودن جامعه ما را به محک آزمایش بگذارند. و جالب این است که هر بار هم که این کار را می کنند جواب



## بترسید از فوران خشم فرو خورده مردم ایران



بعد از ظهر امروز نیروهای امنیتی در یورش گسترده به منزل عزیز قاسم زاده سخنگوی کانون صنفی معلمان گیلان، او را که مشغول مصاحبه بود بازداشت و به نقطه نامعلومی منتقل کردند.

این بازداشت زبوانه که چیزی جز بیان وحشت حکومتگران از فریاد عدالتخواهی معلمان نیست، در حالی صورت می‌گیرد که اعتراضات عدالتخواهانه معلمان، کارگران و دیگر توده های به جان آمده مردم ایران سر آرام شدن ندارد.

حکومتی با وقاحت و بی شرمی غیر قابل توصیفی، زندگی و هست و نیست بیش از ۸۰ میلیون انسان را به گروگان گرفته است. کشتار زندانیان سیاسی و عدالتخواه به قتل‌های زنجیره ای تبدیل شده است، هر روزه تعدادی از شریف‌ترین انسانها به جرم عدالتخواهی و دفاع از بدیهی ترین حقوق انسانی شان به بند کشیده میشوند، صدای فریاد زندانیان سیاسی و خانواده هایشان سر به آسمان سائیده، فقر و فلاکت و گرانی بیداد میکنند، آموزش و پرورش کشور ویران شده است، صنایع به نابودی کشانده شده اند، در نتیجه تصمیم علنی و آشکار ممنوعیت ورود واکسن کرونا که از سوی بالاترین مقامات حکومتی اتخاذ شد هزاران خانواده با از دست دادن عزیزانشان داغدار شده اند.

تقریباً روز و هفته ای نیست که

انسانهایی را که از فرط استیصال و درماندگی برای تأمین لقمه نان بخور و نمیری خطر می‌کنند و در مسیرهای کوهستانی و صعب العبور جانشان را کف دست می‌گیرند به گلوله بسته نشوند، روزی نیست فریاد ضجه و زاری دستفروشی و یا انسانی که آلودگی را بر سرش خراب می‌کنند شنیده نشود، روزی نیست فریاد اعتراض کارگرانی که برای دریافت دسترنج کاری که پیشاپیش انجام داده اند در خیابانها و مراکز تولیدی طنین انداز نشود.

روزی نیست کالایی گران نشود و آه از نهاد میلیونها خانواده کارگری در نیاید، روزی نیست کسی برای گذران زندگی اش کلیه ی خود را نفروشد، روزی نیست کسی برای رفع گرسنگی سرش توی سطل زباله نباشد و.....

چنین جهنمی را در هیچ جای

جهان نمی توان یافت.

بترسید از فوران خشم فرو خورده مردم ایران و بدانید جای هر زندانی سیاسی را که بدست شما به قتل میرسد هزاران جوان خشمگین خواهند گرفت. بدانید فریاد ضجه ی هر مادر و پدر و برادر و خواهری به خشمی توفنده و زیر و رو کننده تبدیل خواهد شد. بدانید موج سهمگین فقر و فلاکت و گرسنگی میلیونها انسان همچون سیلی خروشان به راه خواهد افتاد و ظلم و ستم را در هم خواهد کوبید. بدانید و یقین داشته باشید ما کارگران، معلمان و عموم مردم رنج دیده ایران با هر درجه سرکوب و توحشی که بکار گیرید لحظه ای آرام نخواهیم گرفت.

جعفر عظیم زاده  
۲۸ سپتامبر ۲۰۲۱

## در صدا و سیما پخش چای ریختن مرد برای زن ممنوع است

طلبانه رادر خانه، در محل کار، در مدرسه و دانشگاه و ادارات دولتی و در خیابان و اتوبوس و مترو و همه جا گسترش داد و با فرهنگ حکومتی ضد زن شدیداً مقابله کرد. ترس از این فرهنگ ضد اسلامی و مدرن بخش وسیعی از جامعه است که حکومت و رسانه ها و امام جمعه هایش را اینچنین وحشت زده کرده است.

لیست ممنوعیت هاعلیه زنان توسط داعشی های حاکم بر ایران هم تنوع! و گسترش بیشتری یافته است.

هدف رسانه منفور جمهوری اسلامی این است که جلو فرهنگ مدرن و انسانی تری که در جامعه، جای فرهنگ کثیف و عقب مانده اسلامی را میگیرد، سد کند. علاوه بر مقابله سیاسی و میدانی با این تشبثات، باید هر چه وسیعتر فرهنگ انسانی و برابری

امیرحسین شمشادی، مدیر گروه آموزشی روابط عمومی دانشکده خبر گفته است که در تلویزیون ایران بخش آگهی چای ریختن مرد برای زن، نشان دادن هر نوشیدنی قرمز، دستکش چرم برای زنان، خوردن ساندویچ و پیتزا و نشان دادن مرد و زن تنها و یا دو پسر تنها در خانه ممنوع است.

این روزها همزمان با لیست ممنوعیت ها توسط طالبان،

ادامه از مدیای اجتماعی حزب از صفحه ۱۱

فقط به رفتن خامنه ای و حکومت اسلامی رضایت خواهند داد و آنوقت برای اسلامی های بی عبا و عمامه مثل شما کرنش خواهند کرد. نخیر. دیدید که بعد از افاضات تان نقل و نبات بر سر شما نریختند بلکه حقتان را کف دستتان گذاشتند. آخر شما از کسی دفاع کردید که همه مظاهر ارتجاع را در خود یکجا جمع کرده بود. از خامنه ای که صراحتاً دفاع کرده بود و گفته بود "گوشتان به دهان رهبر باشد، چون ایشان گوششان به دهان حضرت حجت است". از ولایت فقیه که مردم باطل بودنش را بارها فریاد زده اند به صراحت پشتیبانی کرده بود و گفته بود "اگر می خواهید عاقبت به خیر شوید از ولایت فقیه جدا نشوید". ایشان آنقدر "گنجینه غنی" زن ستیزی داشت که صلوات فرستادن زن مسلمان را نمی توانست

به علی افشاری و همه ملی - اسلامی ها باید زمان را یادآوری کرد و اعلام نمود که اسلام امتحان خودش را در این مملکت پس داده است و چیزی جز خشونت، آدمکشی، فقر و نداری برای مردم بیار نیاورده است. جامعه از مرز ماله کشی اسلام و دین گذشته است و به یک لایروبی ضد مذهبی نیاز دارد. بیخودی آب در هاون نکوبید. ما به کمتر از مذهب زدایی از جامعه ایران رضایت نخواهیم داد.

حسن صالحی

۲۹ سپتامبر ۲۰۲۱

## طالبان گوشی دوربین دار را برای زنان ممنوع کرد



کارزارهای وسیعی علیه طالبان های حاکم بر دو کشور را به پیش میبرند و مهر باطلی بر قوانین طالبانی و داعشی در این دو کشور میزنند.

۲۹ سپتامبر ۲۰۲۱

یک مقام دانشکده خبر

همزمان با ممنوعیت تلفن های دوربین دار برای زنان در افغانستان، دادستان گناباد دستور ممنوعیت دوچرخه سواری زنان را صادر کرده و گفته است زنان حق حتی یک متر دوچرخه سواری ندارند.

همزمان زنان در ایران و افغانستان همراه با مردان آزاده

## اطلاعیه های حزب

## صدور حکم ظالمانه و ضد انسانی اعدام شاکر بهروزی باید فوری لغو شود



بنا به اخبار منتشر شده سه‌شنبه ۶ مهر ۱۴۰۰ (۲۸ سپتامبر ۲۰۲۱)، تایید حکم اعدام شاکر بهروزی زندانی سیاسی اهل ارومیه به اتهام قتل یک عضو سپاه پاسداران توسط دیوان عالی کشور در زندان مرکزی ارومیه رسماً به وی ابلاغ شده است. این حکم در حالی تایید شده است که ۱۲ نفر از ساکنین روستای دیزج مرگور شهادت داده‌اند که هنگام قتل مامل محمدی، شاکر بهروزی در روستای خود بوده است. همچنین خانواده این عضو سپاه پاسداران نیز از شکایت علیه شاکر بهروزی خودداری کرده بودند، اما با فشار نیروهای اطلاعات سپاه آنها ناچار شده‌اند که شکایت خود را ثبت کنند.

جمهوری اسلامی همچنان برای طناب هایش دنبال کردن می‌گردد. به اندازه طول عمر مرگبار خود کشتار و نسل کشی راه انداخته است هر روز بیش از پیش خود را در محاصره فضای اعتراض عمومی بخشهای مختلف جامعه می‌بیند و برای نفس تازه کردن احکام واهی قضات و قلداری نیروی

سرنگون باد جمهوری اسلامی

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری

۷ مهر ۱۴۰۰، ۲۹ سپتامبر ۲۰۲۱

## متحد و یکپارچه برای آزادی اعضای زندانی کانون نویسندگان

شوند. کانون نویسندگان و اعضای پیشین هیئت دبیران این کانون در بیانیه های مختلف از خواست های اقتصادی و سیاسی مردم حمایت کرده و قاطعانه به سرکوب و بیحقوقی زنان، کارگران و سایر بخش های جامعه اعتراض کرده اند و شایسته حمایت گرم همه مردم هستند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۵ مهر ۱۴۰۰، ۲۷ سپتامبر ۲۰۲۱

بی هیچ حصر و استثنا برای همگان» نیز پاسخ حاکمان مثل همیشه جز سرکوب نبوده است. اجرای حکم زندان خندان، آبتین و باژن به‌رغم اعتراض‌های مردم آزادی‌خواه، افکار عمومی و مراجع حقیق طلب بین‌المللی، حتی در شرایط اوج همه‌گیری ویروس کرونا و کشتار هر روزه ناشی از آن، چیزی جز ادامه همان سیاست قتل‌های سیاسی زنجیره‌ای و به خاموشی کشاندن نویسندگان و دگراندیشان نیست؛ تا آن‌جا که حتی درخواست مرخصی آنان در این شرایط بحرانی با وجود ارائه پرونده پزشکی‌شان با مخالفت مراجع قضایی روبه‌رو شد.»

ما نیز همراه با کانون نویسندگان ایران خواهان آزادی فوری و بی‌قید و شرط رضا خندان (مهابادی)، بکتاش آبتین و کیوان باژن هستیم و ادامه اجرای حکم این سه عضو کانون را سرکوب آزادی بیان و اقدامی جنایتکارانه می‌دانیم و از همه مردم آزاده، از تشکل‌های مختلف معلمان، بازنشستگان، کارگران و دانشجویان و سایر تشکل‌های مردمی می‌خواهیم که از اعتراض کانون نویسندگان ایران قاطعانه حمایت کنند و خواهان آزادی بی‌قید و شرط فوری نویسندگان زندانی

علیه نظام» و «اجتماع و تباہی به قصد اقدام علیه امنیت کشور» در مجموع به ۱۵ سال و ۶ ماه حبس محکوم کرده است.

کانون نویسندگان در بیانیه ای که به این مناسبت منتشر کرده است می‌گوید: «در این یک سال نیز همچون گذشته، حکومت با تشدید غارتگری و فساد سیستماتیک خود بر فقر و فلاکت مردم افزوده است و در پاسخ به آزادی‌خواهی، حقیق‌طلبی و مطالبه‌گری آن‌ها، زندان‌ها را از معترضان و منتقدان انباشته است. در مقابل خواست اجتماعی «آزادی بیان و اندیشه و نشر

فراخوان به مردم آزاده و همه تشکل‌های مردمی

امروز پنجم مهرماه یکسال از زندانی شدن سه نفر از اعضای کانون نویسندگان ایران، رضا خندان (مهابادی)، بکتاش آبتین و کیوان باژن می‌گذرد. جرم این سه نفر انتشار بیانیه‌های کانون در دفاع از خواست های بحق مردم و علیه فساد حاکم و سرکوب های هرروزه مردم، حضور بر مزار محمد مختاری و محمدجعفر پوینده و شرکت در مراسم سالگرد احمد شاملو بوده است. سیستم جنایتکارانه قضایی حکومت آنها را تحت عنوان «تبلیغ

## بیانیه سه نهاد به مناسبت دهم اکتبر روز جهانی علیه اعدام



### نه به رژیم رکورددار اعدام در ایران!



دادن فوری اعدامها در ایران شوید. اگر با مبارزه و اتحاد عمومی در ایران و جهان حربه سرکوب جمهوری اسلامی که اعدام و کشتار بخش مهمی از آن بشمار می رود بی اثر و یا کم اثر شود بدون شک نشانی از جمهوری اسلامی باقی نخواهد ماند. مردم ایران تشنه سرنگونی جمهوری اسلامی هستند و با حمایت جهانی مردم جهان و به قدرت نیروی خود آماده اند که این رژیم را به زیر بکشند و به حکومت ترور و اعدام در ایران پایان دهند.

جمهوری اسلامی باید به زیر کشیده شود تا ما از اعدام و شکنجه و ترور خلاصی یابیم. همین را باید در گرامیداشت نوزدهمین سالگرد روز جهانی علیه اعدام در همه جا فریاد زد و جهان را باید بیش از پیش به حمایت از مبارزات مردم ایران برای سرنگونی جمهوری اسلامی فراخواند.

نه به اعدام، نه به رژیم اعدام در ایران!

کمیته بین المللی علیه اعدام

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی

کمپین برای آزادی کارگران زندانی (FreeThemNow)

۷ مهر - ۲۹ سپتامبر ۲۰۲۱

کنند بلکه به کسانی که زنان را به دلیل عدم رعایت شئون اسلامی مورد تعرض قرار می دهند پاداش داده می شود.

توحش و بربریت حاکم بر ایران همواره مورد اعتراض مردم بوده است و منجر به برپایی قیام های شهری در سالهای متفاوت عمر ننگین رژیم اسلامی شده است. در این میان جنبش علیه اعدام جنبشی است که با خواستههایی نظیر "اعدام نکنید" و شعار "اعدام قتل عمد دولتی است" در همه جای ایران گسترده می شود و تاکنون نیز توانسته است جلو اعدامهایی را بگیرد و یا هر مورد اعدام را برای جمهوری اسلامی بسیار پر هزینه کند.

ما از همه مردم در ایران و جهان میخواهیم که به مناسبت روز جهانی علیه اعدام صدای اعتراض خود را علیه رژیمی که حیاتش به اعدام گره خورده است، بلندتر کنند و جلوی این توحش افسارگسیخته دولتی را بگیرند. شما هر جا که هستید با سازمان دادن تجمع و اعتراض، با حمایت از خانواده محکومین به اعدام، با برگزاری سمینار و جلسه، با نوشتن شعار بر در و دیوار شهر، با صدور قطعنامه و بیانیه دسته جمعی، با تهیه کلیپ و ویدئو و انتشار وسیع آن در شبکه های اجتماعی انزجار و نفرت خود را از مجازات ضد انسانی اعدام اعلام دارید و خواهان پایان

که به مخالفت علیه نظام اسلامی پرداخته اند، اعدام می شوند. اعدام در جمهوری اسلامی به معنای دشمنی با آزادیهای سیاسی و مدنی شهروندان و حقوق پایه ای آنها در برپایی اعتراض، تجمع و تحزب و تشکل یابی است. از همین رو مبارزه علیه اعدام بخشی از مبارزه مردم برای دستیابی به آزادی است.

ائتلاف جهانی علیه مجازات اعدام روز جهانی علیه اعدام سال ۲۰۲۱ را به زنانی که اعدام شده اند، در معرض خطر محکوم شدن به اعدام قرار دارند یا محکوم به مجازات اعدام شده اند اختصاص داده است. از این نظر نیز جمهوری اسلامی کارنامه خونینی دارد. رژیم ضد زن جمهوری اسلامی تاکنون زنان زیادی از معترضین و نیروهای سیاسی مخالف خود را به دار آویخته و همچنین بسیاری از زنانی که خود از قربانیان خشونت جنسیتی بوده اند را اعدام کرده است. فاطمه حقیقت پژوه، ریحانه جباری، مریم ایوبی که با حکم شنیع سنگسار اعدام شد، سمیه شهبازی جهرویی و زهرا اسماعیلی که وی را پس از سکت قلبی به در آویختند نمونه هایی از این نوع زن کشی های فجیع جمهوری اسلامی هستند. نه فقط زنانی را که در معرض خشونت جنسی قرار گرفته اند به دلیل دفاع از خود اعدام می

جمهوری اسلامی بیگناهان را اعدام میکند. در ایران مخالفین سیاسی اعدام می شوند. جمهوری اسلامی دستش به خون هزاران زندانیان سیاسی که در دهه شصت شمسی و صدها زندانیان سیاسی دیگر که در دهه های بعد اعدام شدند، آغشته است. از جمله میتوان به اعدام فرزاد کمانگر از معلمان معترض و نوید افکاری جوانی که به جرم شرکت در اعتراضات مردم اعدام شد، اشاره کرد که سمبل تمام قربانیان جنایات حکومت هستند. جنایاتی که مصداق بارز نسل کشی، پاکسازی عقیدتی و حذف مخالفین سیاسی در ابعاد گسترده است. جنایاتی که با قتل عام مردم بیگناه توسط نازی ها در آلمان، با گشت و کشتار در اندونزی، بانسل کشی در رواندا و سرکوب خونین در شیلی قابل مقایسه است. همچنین در جمهوری اسلامی تا سالها سنگسار زنان، یعنی فجیع ترین شکل قتل و اعدام، به جرم برقراری رابطه جنسی خارج از ازدواج متداول بود که با یک جنبش جهانی روبرو گردید و خوشبختانه عملاً متوقف شده است.

در جمهوری اسلامی بی خدایان، همجنسگرایان، زنانی که در برابر خشونت جنسی از خود دفاع می کنند، روزنامه نگاران، بهائیان که دین و باور دیگری دارند و مردم معترضی

در آستانه نوزدهمین سالگرد روز جهانی علیه اعدام، ما سه نهاد امضاکننده این بیانیه یعنی کمیته بین المللی علیه اعدام، کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی و کمپین برای آزادی کارگران زندانی، همگان را فرا می خوانیم که علیه اعدامهای گسترده در ایران و قتل و آدمکشی و شکنجه در زندانهای ایران بیاخیزند و برای متوقف کردن این جنایات سازمان یافته دولتی حکومت جنایتکار اسلامی را در منگنه و فشار خود قرار دهند.

اعدام قتل عمد و سازمان یافته دولتی است. دولتها از طریق اعدام قدرت خود را به رخ جامعه میکشند. هر جا که اعدام برقرار است جان انسانها بی ارزش می شود و از طریق بی ارزش کردن جان انسانها قدرت حاکم می خواهد سیادت و سلطه خود را به کرسی بنشاند. جمهوری اسلامی با اعدام زاده شد و با اعدام سلطه خود را مستقر کرد. استقرار جمهوری اسلامی به معنای سلب پایه ای ترین حقوق مردم ایران بود و اعدام وسیله ای است که این بی حقوقی را در خش ترین و کریه ترین شکل خود اجرایی کرده است.

اعدام در ایران تحت حکومت اسلامی نسبت به بسیاری از کشورهای دیگر صد بار جنایتکارانه تر است. چونکه



ادامه اطلاعیه های حزب از صفحه ۱۴

## در حمایت از زندانی سیاسی سهیل عربی



روز سوم اکتبر از سوی دو نهاد اکس مسلم و جمهوری بی خدایان روز جهانی حمایت از زندانی سیاسی سهیل عربی اعلام شده است.

سهیل عربی وبلاگ نویس و عکاسی است که از سال ۱۳۹۲ در زندان است و علیرغم داشتن حکم زندان چندین بار برای وی در حین بازداشت نبر پرونده سازی شده است و بر مدت محکومیتش افزوده اند. جرمش این است که منقد حکومت دینی در ایران بوده است و در زندان و بیرون از زندان همواره فریاد اعتراضش را علیه ظلم و بیداد جمهوری اسلامی بلند کرده است. او اکنون به نماد ایستادگی و مقاومت در برابر جمهوری جنایتکار اسلامی تبدیل شده و همواره صدای بی صدایان بوده است.

کمیته بین المللی علیه اعدام

۶ مهر - ۱۴۰۰ ۲۸ سپتامبر ۲۰۲۱

اگر حمایت مردمی و جهانی از سهیل نبود او را به جرم «توهین به مقدسات اسلامی» اعدام کرده بودند. بطور قطع حمایت هر چه وسیعتر از این

ماهواره یاه ست

ماهواره یوتلست

فرکانس: ۱۱۷۶۶

فرکانس: ۱۱۳۸۷

پولاریزاسیون: عمودی

پولاریزاسیون: عمودی

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰

اف ای سی: ۷/۸

اف ای سی: ۵/۶

[www.newchannel.tv](http://www.newchannel.tv)  
[nctv.tamas@gmail.com](mailto:nctv.tamas@gmail.com)

KANAL جدید  
کانال جدید

پخش زنده آنلاین:



[newchannel.tv/live/tv](http://newchannel.tv/live/tv)

فرکانس های

تلویزیون کانال جدید

در ماهواره های:

ادامه اطلاعاتی های حزب از صفحه ۱۵

## ۸ مهر: سومین روز اعتصاب متحدانه کارگران نیشکر هفت تپه



پایه شورای واقعی خود را گذاشته و الگویی برای همه کارگران در سطح جامعه ارائه داده اند. زنده باد کارگران نیشکر هفت تپه!

حزب کمونیست کارگری ایران

۸ مهر ۱۴۰۰، ۳۰ سپتامبر ۲۰۲۱

ضد کارگری را مختمومه اعلام کردند. همزمان این کارگران اعلام داشته اند که مجمع نمایندگان کارگران، تشکل واقعی این کارگران و مورد حمایت آنهاست و این مجمع همواره منتخب خود آنها بوده و هست و مجمع عمومی ابزار مهم تصمیم گیری شورایی آنها در مبارزاتشان و برای نظارت شورایی است. بدینگونه کارگران نیشکر هفت تپه عملاً

تمدید قرار داد کارگران فصلی و غیر نیشکری پاسخی داده نشده است. این کارگران همچنین خواستار پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات و بطور مشخص مختمومه اعلام شدن پرونده فرزانه زیلایی وکیل خود هستند. کارگران نیشکر هفت تپه روز گذشته در شورای اسلامی را گل گرفتند و به این ترتیب پرونده این ارگان جاسوسی

کرده و اعلام داشتند که تا وقتی به مطالبات آنها جواب داده نشود به اعتراضشان ادامه خواهند داد.

تعیین تکلیف مدیریت شرکت خواست اول این کارگران است و هدف آنها اداره شرکت تحت نظارت شورایی است. در عین حال این کارگران سه ماه دستمزد طلب دارند و به دیگر مطالباتشان از جمله بازگشت به کار کارگران اخراجی و

روز پنجشنبه هشتم مهرماه کارگران نیشکر هفت تپه برای سومین روز متوالی برای پیگیری مطالبات خود در محوطه شرکت و مقابل دفتر مدیریت دست به تجمع و اعتصاب زدند. در این تجمع جمعیت بزرگی از کارگران از بخش های مختلف شرکت تجمع داشتند و مثل همیشه کارگران در سخنرانی هایشان بر خواسته های فوری خود تاکید

## فراخوان بازنشستگان و مستمری بگیران برای تجمع در روز ۱۱ مهر

که جای خود را در جامعه در میان مردم باز کرده است. از ابتدای سال جاری تا تیر ماه بازنشستگان ۱۱ تجمع اعتراضی برپا کرده اند و اکنون بعد از یک وقفه، این تجمعات قرار است برای دوازدهمین بار در یکشنبه ۱۱ مهر برگزار شود.

حزب کمونیست کارگری ایران

۶ مهر ۱۴۰۰، ۲۸ سپتامبر ۲۰۲۱

حقوق و مشخص شدن ۲۵ درصد الباقی آن، بازگرداندن از کارافتادگان و بازماندگان به گروه حداقل بگیران و پرداخت حقوق قانونی آنها (ماده ۱۱۱)، در نظر گرفتن حق منطقه جنگی از جمله مطالبات فوری و مشخصاً اعلام شده آنها در فراخوان به تجمع ۱۱ مهرماه است.

یکشنبه های اعتراض بازنشستگان روزهای اعتراضی سراسری و بیادماندنی است

فراگیر میروند.

در فراخوان به تجمع برای روز ۱۱ مهر بازنشستگان همچنین بر روی چند مطالبه فوری دیگر که مربوط به سطح حقوقهای دریافتی شان است تاکید کرده اند. از جمله دائمی شدن همسان سازی حقوقها، رسیدن به حق و حقوق قانونی از کار افتادگان و بازماندگان و حداقل بگیران و میانه بگیران رو به پایین، اجرای صد در صدی متناسب سازی

پولهای دزدیده شده به صندوق بازنشستگی، پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات و آزادی اسماعیل گرامی که در تجمعات اعتراضی آنان در سال گذشته بازداشت شد، از جمله مطالبات اعلام شده بازنشستگان است. در این فراخوان همه مستمری بگیران و بازنشستگان و از کار افتادگان و بازماندگان همراه با خانواده هایشان به تجمع دعوت شده اند. بدین ترتیب بازنشستگان بار دیگر به استقبال یک تجمع وسیع و

بازنشستگان تامین اجتماعی برای پیگیری مطالبات خود برای ساعت ده و نیم صبح روز ۱۱ مهر به تجمع در مقابل مجلس اسلامی در تهران و در شهرستانها مقابل ادارات کل تامین اجتماعی فراخوان داده اند. اجرای همسان سازی حقوقها و افزایش سطح آن به بالای خط فقر اعلام شده ۱۲ میلیونی، درمان و تحصیل رایگان و داشتن حق مسکن، پایان دادن به اختلاسها و بازگرداندن شدن

## تجمعات کارگران معادن کرمان، بازنشستگان وزارت بهداشت و یک خبر دیگر

گفته کارگران جدا از حقوقهای معوقه سال جاری آنها مطالباتی از سالهای گذشته بابت سنوات و عیدی دارند. همچنین حق بیمه آنها بموقع پرداخت نمیشود.

حزب کمونیست کارگری ایران

۷ مهر ۱۴۰۰، ۲۹ سپتامبر ۲۰۲۱

است. - روز ۶ مهر زیر فشار اعتراضات کارگران یک ماه از ۵ ماه حقوق معوقه ۲۵۰ کارگر شهرداری ایرانشهر پرداخت شد. در این شهرداری ۷۰۰ کارگر کار میکنند. کارگران خواستار پرداخت همه طلبهای تمام هفتصد کارگر شاغل در این شهرداری هستند. به

پایه نمی نشینیم تجمع کرده و پیگیر مطالبات خود شدند. این بازنشستگان خواهان همسان سازی حقوقها، پرداخت پاداش و فوق العاده و دیگر مطالبات شان هستند. اعتراض بازنشستگان به سطح نازل حقوقها و پایین آمدن هر روز بیشتر قدرت خریدشان است. یک خواست مهم بازنشستگان برخورداری از درمان رایگان

بالای معادن و دریافتی پایین خود سخن گفتند.

- شماری از بازنشستگان وزارت بهداشت در استانهای اهواز، اصفهان، رشت، گرگان، ارومیه و تبریز روز ۶ مهرماه در محوطه دانشگاه علوم پزشکی مرکز این استانها با شعارهای وعده و وعید کافی، سفره ما خالی، تا حق خود بگیریم، از

- روز ۶ مهر کارگران معادن خصوصی (سراپرده، چشمه پودنه، بابشکون، تونل ۶، گلتوت) در اعتراض به سطح نازل دستمزدهای خود در دوراهی مسجد ابوالفضل دشتخاک زرنند تجمع کردند و مسیر حمل زغال از معادن به سمت کارخانه زغالشویی را مسدود کردند. در این حرکت اعتراضی کارگران از تولید

# معلم زندانی آزاد باید گردد



اسماعیل عبدی



نصرت بهشتی



حجت الله رافعی



ناهید فتحعلیان



مهدی فتحی



مصطفی نیلی



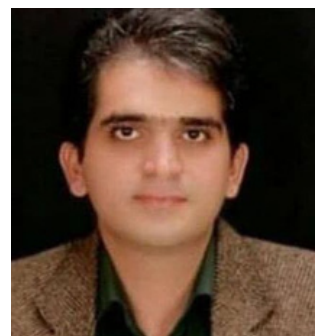
محمد رضا مضانزاده



محمد حسن سپهری



حسن حسینخانی



عزیز قاسم زاده



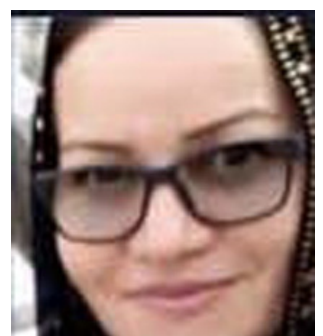
غلامرضا غلامی



یعقوب یزدانی



هاشم خواستار



زینب همرنگ